

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۷۵ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۴۴ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۱/۱۲/۰۱

- قدرشناسی فرصت‌های حساس الهی
- اجابت پیام حضرت حق به واسطه فرشته داعی
- شجره طیبه ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلوٰة والسلام)
- برنامه‌ریزی برای انجام اعمال نیک در ماه شعبان
- انس با مناجات شعبانیه
- القائنات شیطانی و راه نجات از آن
- راه ورود به ملکوت عالم تفکر است
- قرآن کتاب اندیشه است
- دعوت به تفکر یعنی دعوت به عمیق شدن
- عالم موضوع تفکر است
- تفکر در قدرت و جلوه‌های قدرت الهی
- رسیدن به آرامش با تفکر در قدرت خدای متعال
- حسد سرطان روح است
- راه درمان حسد
- برنامه‌ریزی حسد نسبت به دشمنان خدا
- بکارگیری حسد پیشرفته در میدان توحید
- کمال ایمان و تدبیر «علی عدوالله» است
- جزو جنود الله و حزب الله و لشکر خدا باشید

مغفرت آورد، برکت آورد حالا تمام شد، شب آخرش است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردمهد

قدرشناسی فرصت‌های حساس الهی

معمولاً در سیره اهل معرفت این قسمت‌های حساس از فرصت‌های الهی را خیلی قدرشناسی می‌کنند برای تکمیل، برای عذرخواهی، برای استغفار، خیلی قدر می‌دانند، معمولاً شب آخر ماه از این جهت یک شب خاصی است، آن هم شب آخر ماه رجب. جزو شب‌هایی است که مراقبت دارد، اعمال دارد، توجه دارد، برای همین است که انسان بتواند کم‌وکسری‌ها را با توسل به اولیاء خدا، با مراجعه به لطف پروردگار متعال و به مقام کرم و مغفرت حضرت حق جبران کند. دوستانی هم که برای‌شان ممکن است این روز آخر ماه را به روز اول ماه

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَالتَّطَنِّي وَالحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفْكَرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ»

به حسب ظاهر امشب شب آخر ماه مکرم رجب است. ماه بزرگ و با عظمت و پرنوری که دیگر سپری شده و به نقطه پایانی‌اش رسیده. اولاً خدای را متعال را شاکریم که به ما عمری داد، توفیقی داد، امسال هم ما بالاخره به محیط پرنور این ماه رسیدیم، این خودش نعمت بزرگی است. منتها معمولاً در این نقطه پایانی حسرت‌های زیادی برانگیخته می‌شود، یعنی موقع خداحافظی با یک دوست خیلی صمیمی و خوب و عزیز که با خودش برای ما بشارت آورد، رحمت آورد،

طوبی للذاکرین^۱ دعوتش خیلی دلنشین است. مخصوصاً آن جایی که از قول خدای متعال مطرح کند که «وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي وَ مُطِيعُ مَنْ أَطَاعَنِي وَ غَافِرٌ مِّنْ أَسْتَغْفِرَنِي»^۲. خوش به حال آن‌هایی که صدای این فرشته رحمت الهی را شنیدند و لیبک گفتند. چون به این داعی باید گفت لیبک داعی الله. پیام حضرت حق را ما شنیدیم اجابت کردیم، تو چه فرشته خوب و نازنینی بودی که واسطه این پیام بودی، این پیام را به ما رساندی. برای امثال من که خیلی نشنیدیم و عقب ماندیم باید بگوییم خلاصه امشب دیگر این فرصت پایانی است، این آن آخرین وعده‌ای است که دیگر مأموریت او به پایان می‌رسد.

معظم شعبان با روزه‌داری متصل کنند، این فرصت را از دست ندهند، یعنی هم فردا را و هم روز اول ماه معظم شعبان ان شاءالله از فیض روزه این روزهای بسیار عزیز بهره‌مند باشند ان شاءالله الرحمن.

اجابت پیام حضرت حق به واسطه فرشته داعی

امشب هم یادتان باشد که این آخرین شبی است که ملکه داعی دعوت می‌کند. طبق روایت زیبایی که از پیامبر (صلوات‌الله‌علیه) هست فرمود خداوند تبارک و تعالی فرشته‌ای را به نام داعی این را مأموریت می‌دهد که از شب اول ماه رجب تا شب آخر، از اول شب تا سپیده صبح، تا وقتی که دیگر فجر طالع می‌شود که وقت نماز صبح است، این دارد همین‌طور صدا می‌زند، «طوبی للطائعین،

۱ إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۲۸
 ۲ همان

در نسبت به ماه رجب دارد او برای ما یک دعایی بکند. خلاصه ماه رجب تمام شد، این سفره را دیگر دارند جمع می‌کنند. واقعاً خوش به حال آن‌هایی که بهره‌مند شدند و عنوان رجبیون بر آن‌ها مستقر شد. مفتخر شدند به این مدال که این شخص جزء رجبیون شده، چون این نشانه‌های خاص خودش را دارد. امیدواریم ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی به حق حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حقیقت آن حضرت ان شاء الله امشب برای ماها هم دعا کند، برای امثال من جامانده هم یک شفاعتی بکند، ماها را هم برساند به این ماه رجب، ما دست خالی از این فرصت خارج نشویم، از کریم هم همین توقع هست، حالا ماها که وضعی نداریم ولی از ناحیه مولای کریم انسان توقع عنایت و کرم دارد.

ما راجع به ماه معظم شعبان آن ملک داعی و آن دعوتنامه هر شب را نداریم، این اختصاصی ماه رجب است. چیز عجیبی است، خیلی خاص است. حالا دیگر ماه رجب بعدی کسی زنده باشد، نباشد، اوضاع چطور باشد. این ملک امشب برمی‌گردد دیگر، یعنی سحر که شد برمی‌گردد به جایگاه و مرتبت خودش و مأموریتش در دعوت ویژه بندگان خدا برای رفاقت، برای ارتباط نزدیک، برای درخواست مغفرت، برای درخواست هدایت با آن ترتیباتی که شنیدید این دیگر تمام می‌شود. لذا امشب خوب است هر کدام از ما یک چند کلمه با این فرشته حرف بزنیم، هم به خاطر غفلت‌ها، بی‌دقتی‌ها انسان از او عذرخواهی کند، هم استمداد کند که خود این ملک داعی که مأموریت ویژه

شجره طیبه ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلوٰة والسلام)

محدث خالص عالی‌قدر که میلیون‌ها کتاب او در سطح دنیا در کنار قرآن، در سطح دوستان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) قرار دارد، معلوم است یک اخلاصی پشت سرش بوده والا خب کتاب‌های دیگر هم هست، ولی این معلوم است یک عنایتی به آن شده بوده. حالا در هر صورت کار را آسان کرده، شما هم مراجعه می‌کنید.

همین ورودی ماه معظم شعبان در همین کتاب شریف آن روایت مربوط به شجره طوبی را بخوانید. این خیلی دلنشین است. این شجره طوبی که چطور از محیط بهشتی خودش در دسترس مؤمنین در تمام بیوتات‌شان قرار می‌گیرد. بعد شما طبق همان روایت نورانی فرمود هر کار خیری را؛ که آن جا یک فهرستی هم به شما می‌دهد. خود آن فهرست را هم بنویسید دستور کار خودتان

ماه معظم شعبان هم ماه خیلی بزرگی است. شعبه‌های رحمت و لطف پروردگار متعال در دسترس مؤمنین قرار می‌گیرد که همت کنند از همه آن بهره‌مند بشوند. این کتاب شریف مفاتیح خیلی کتاب غنیمتی است، خدا رحمت کند مرحوم محدث قمی (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)، ایشان با سلیقه جمع کرده. کار شماها و ماها را آسان کرده، مطالبی که در کتاب‌های کهن از دعا و مراقبات و این‌ها بوده این‌ها را استخراج کرده، بعد تبویب کرده کنار هم چیده. امسال ظاهراً صدمین سال تألیف این کتاب شریف است. حالا حسب بررسی که بعضی از دوستان داشتند پیشنهاد هم دادند که یک کاری بکنیم برای این کتاب ارزشمند و خلاصه در عرض ارادت به آن

ضریب می‌گیرد. در ماه‌های خاص این‌طوری است. حالا این فرصت را باید خوب استفاده کنیم تا ان شاءالله برای ماه مبارک رمضان مهیا بشوید. غرض از حالا ان شاءالله دوستان آماده باشند، ان شاءالله خدای متعال هم توفیق بدهد عمر باشد برای انجام هر جنسی از کار خوب ما به ماه شعبان برسیم. چیزی را جا نگذارید، هر کاری که آن جا گفتند، آن فهرست هست، خلاصه دستور کار، دستورالعمل جدی خودتان قرار بدهید و حتماً آن را در برنامه خودتان انجام بدهید، برای آن برنامه‌ریزی کنید، با نشاط، با جدیت، با قوت. خیلی فرق می‌کند که انسان برای کاری برنامه داشته باشد یا نداشته باشد. این‌ها دو تا عالم است. یعنی شما الان برنامه‌ات را نوشتی، آماده و شسته و روفته که من وقتی

قرار بدهید که هر کسی فلان کار خیر را انجام بدهد این به یکی از این شاخه‌های درخت طوبی کأن متصل شده که درخت طوبی شاید در واقع شجره طیبه ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) است که غرس شده در بهشت الهی است و اتصال آن به عنایت خاص امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) است. این در دسترس مؤمنین به یک شکل خاصی قرار می‌گیرد.

برنامه‌ریزی برای انجام اعمال نیک در ماه شعبان

همه شماها کار خوب انجام بدهید، خب خوب است، ولی فرق می‌کند. ماه شعبان، ظرفیت ماه و این استعدادی که این قطعه از زمان دارد این اضافه می‌شود، آن کار خوب ضریب می‌گیرد، چنان که خدای نخواستہ اگر کسی مرتکب کار خلافی بشود آن هم

بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه) مخصوصاً در ماه معظم شعبان است. ان شاء الله خدای متعال توفیقش را کرامت کند، آن را هم دوستان برنامه‌ریزی کنند که هر روز کی چه ساعتی چه وقتی می‌خواهند پای این برنامه بنشینند. والا شیطان نمی‌گذارد، یقین داشته باشید. شما را جا می‌گذارد. انسان برنامه‌ریزی کند، پای برنامه‌اش بایستد، تعهد داشته باشد. حالا می‌تواند یک جا تلاوت کند، می‌تواند تقسیم کند یک قسمتی‌اش را مثلاً قبل طلوع الشمس، یک قسمتی‌اش را قبل غروب الشمس، آن لحظات خیلی خوبی است. قبل از طلوع خورشید، قبل از غروب خورشید لحظات مناجاتی خاصی است. آن وقت، وقت‌های دیگر، هر وقتی که به نظرتان رسید مناسب است پیش‌بینی بفرمایید، وقت

از شب اول ماه معظم شعبان که وارد شدم برنامه‌ام چیست، این خیلی فرق می‌کند تا آن کسی که برنامه‌ای ندارد.

انس با مناجات شعبانیه

مخصوصاً این مناجات شریفه شعبانیه را که دیگر انسان در باره آن چه بگوید؟ چه کرده امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این مناجات، چه ابوابی از معارف الهیه باز شده به روی بشریت، چه درهایی از حقیقت را امیرالمؤمنین باز کرده به روی بندگان خدا و اهل ولایت. بعد خیلی فوق‌العاده است. بعد حلاوتش، شیرینی‌اش، این روان بودنش، محبانه بودنش، عاشقانه بودنش، پرنکته و نغز بودنش، خیلی خاص است که شنیدید به حسب روایت فرمودند همه ائمه (علیهم السلام) با این مناجات با خدای متعال حرف زدند و مناجات مورد علاقه حضرت

و دراز و غیرمعقول و این‌ها است. که می‌دانید این آرزوها کلاً دست و پای دل انسان را می‌بندد، به زنجیر می‌کشد و ما را وصل می‌کند به اسفل‌السافلین نمی‌گذارد

تکان بخوریم. امکان پرواز را از انسان می‌گیرد. راه نجاتش چیست؟ راه نجات «ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ»، توجه به عظمت پروردگار متعال است.

دوم: فرمود «النَّظْمِيَّ» بدگمانی، القاء شیطانی است. عرض کردیم هم بدگمانی نسبت به خلق، هم خالق. این‌جا عرض کردیم به حسب ترتیب مربوط می‌شود به بدگمانی نسبت به خدای متعال. اگرچه این راهی که این‌جا معرفی شده بدگمانی‌های انسان را نسبت به مؤمنین، نسبت به خلق هم برطرف می‌کند، برای او هم دوی مؤثری است. خب راهش چیست که انسان نجات

زیادی هم نمی‌گیرد. ان شاء الله بتوانید با آن انس بگیرید یک ابواب تازه‌ای را از رفاقت و لطف حضرت حق به روی شما باز می‌کند. ان شاء الله توفیق نصیب همه ما بشود.

القائات شیطانی و راه نجات از آن

محضرتان عرض کنم داشتیم این قطعه دعا را می‌خواندیم که «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانَ»، امام سجاد (علیه‌الصلوة‌و‌السلام) این‌جا وسوسه‌های خاص شیطانی را مطرح کرد که با دل انسان‌های مؤمن و کسانی که در مسیر هستند شیطان بازی می‌کند. خب سه القاء شیطانی را حضرت این‌جا مطرح کردند و راه نجاتش را هم در کنار آن مطرح کردند. یک: «التمنی»، همین آرزوهای بی‌حساب و بی‌کتاب و دور

پیدا کند؟ فرمود «تَفَكَّرْ أَفِي قَدْرَتِكَ» تفکر است، از جنس تفکر. قبلی از جنس ذکر بود و تذکر، این از جنس فکر و تفکر است. جلسه گذشته ما در این زمینه یک مقدار توضیح دادیم.

راه ورود به ملکوت عالم تفکر است

مطلب اصلی این است که تفکر خیلی سرمایه بزرگی است که خدای متعال در دسترس ماها قرار داده. اگر باب تفکر به روی انسانی گشوده بشود، اگر کسی اهل تفکر بشود عوالم باطن به روی او باز می‌شود. راه ورود به ملکوت عالم تفکر است، با تفکر انسان می‌تواند از ظاهر این عالم عبور کند و وارد منطقه ملکوت بشود که باطن این عالم است. لذا جلسه گذشته توضیح دادیم، این که حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ

من عِبَادَةَ سَبْعِينَ سَنَةً»^۳ یعنی یک ساعتش از هفتاد سال عبادت بهتر است. یعنی چی بهتر است؟ یعنی راه شما را به سوی سعادت باز می‌کند. قبول کنید که خیلی سرمایه‌گذاری می‌شود برای تعطیلی فکر، برای این که ماها فکر نکنیم تا این نعمت بزرگ بی‌استفاده بماند، خیلی سرمایه‌گذاری می‌شود. نکته‌اش هم این است که اگر شما به فکر برسید به خیلی از درجات می‌رسید، اگر فکرتان بسته و تعطیل بشود راه سعادت به روی شما بسته می‌شود یا منازل بالا و بالاتر به روی شما بسته می‌شود، به همین قدم‌های اول اکتفا می‌شود، چون این راه با تفکر سیر می‌شود.

قرآن کتاب اندیشه است

پرورش بودند، به آن‌ها عرض کردم بزرگترین هنر یک معلم این است که مخاطب خودش را وارد وادی تفکر کند. اگر این وارد وادی تفکر بشود عالم او عوض می‌شود. این شیوه‌های آموزشی ما خیلی فاصله دارد از برانگیختن فکر، البته نه کلاً. خیلی بستگی به معلم دارد و خیلی بستگی به آن استاد دارد که آیا می‌تواند این مخاطب خودش را وارد وادی تفکر کند و مزه فکر را به او بچشاند، به او یاد بدهد که باید عمیق بشود. دعوت به تفکر یعنی دعوت به عمیق شدن، عبور از ظواهر.

خیلی از ما دینداری‌هایمان دینداری‌های سطحی است، دم‌دستی است، فکر پشت سرش نیست، عمق نیست، عمیق نشده، لذا با یک شبهه خلاص است. با یک سؤال تزلزل است. با یک دشواری در زندگی می‌بینید دین انسان از

گفتم اصلاً قرآن کریم کتاب تفکر است. خدای متعال کتاب تکوین را یعنی هرچه که خلق کرده، دستور فکر شما قرار داده، کتاب تدوین آن هم که قرآن کریم باشد پشتیان تفکر شماسست، نشان دهنده راه صحیح برای تفکر، ارائه دهنده موضوع برای فکر قرار داده. اصلاً قرآن کتاب اندیشه است از یک منظر، اصلاً کتاب فکر است. لذا این را هم خودمان، هر کسی از ماها جدی بگیرد، هم واقعاً ترویج کنیم، هر مقدار میسر باشد فکر را باید ترویج کرد.

دعوت به تفکر یعنی دعوت به عمیق شدن

من به یک عده از این دوستانی که آمده بودند یک جلسه‌ای خدمت‌شان بودیم، مدیرهای مدارس و آموزش و

حال اهلش، فکر کردید این نعمت یعنی چی و خدای متعال چه کرده؟ یک ذره راجع به آن مطالعه کردیم؟ راجع به آن مطالعه فکر کردیم؟ که پشت سر این چشم نازنین شما چه خبر است؟ چند میلیون تارها چگونه طراحی شده، چطور این‌ها لوله‌کشی شدند تا شما بتوانید ببینید؟

خدای متعال شاهد است همین یک نعمت را اگر دستور کار تفکر خودتان قرار بدهید زندگی‌تان عوض می‌شود، همین یکی را، به هیچ چیز دیگری هم کار نداشته باشید، یعنی چی ما می‌بینیم. دیدن یعنی چی؟ الحمدلله به لطف خدای متعال در زمانه‌ای هم زندگی می‌کنیم که امکانات لازم و آگاهی‌های لازم برای ورود به وادی فکر هم در دسترس است. شما الان اراده کنید در این زمینه اطلاعات

دستش رفت. شما خودتان هم دیدید، تجربه کردید من خیلی دیدم کسانی که گرفتار همین تزلزل‌ها شدند، سرش هم این بوده که این‌ها عمیق نبودند، اهل فکر نبودند. ما از خدای متعال عاجزانه باید این نعمت بزرگ را توقع کنیم و تمنا کنیم، نعمت تفکر را بخواهیم.

عالم موضوع تفکر است

حالا موضوع برای تفکر، الی ماشاءالله. همه عالم موضوع تفکر شما است، یعنی هرچه که خدای متعال خلق کرده موضوع فکر است، از زمین، تا آسمان، تا ماه، تا خورشید، تا فلک، چه کرده خدای متعال. در وجود خودتان. شما تا حالا اصلاً فکر کردید که این دیدن یعنی چه؟ ما چون همیشه داریم می‌بینیم. همین دیدن ظاهری را عرض می‌کنم، باطنی که خوش به

این امکانات در اختیار اوست و به وسیله این‌ها است، آن است که دارد کار می‌کند. الان مثلاً حرف می‌زنیم، شما الان دارید می‌شنوید که یعنی چی؟ یعنی چی این شنیدن؟ چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ ابزار چیست؟ آن که می‌شنود کیست؟ وارد وادی تفکر شدید بعد می‌گویید آن که دارد فکر می‌کند کیست؟ خیلی خبرها است. انسان راحت این باب را تعطیل می‌کند. باب تفکر تعطیل، مشغول هستیم دیگر، حالا زندگی‌مان را بکنیم رد شود برویم. خیلی چیز عجیبی است واقعاً.

تفکر در قدرت و جلوه‌های قدرت الهی

قدرت پروردگار متعال یعنی این که بین اراده حق و بین تحقق هیچ فاصله‌ای وجود ندارد، «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ

عمومی که بتواند دستور فکر شما قرار بگیرد در ثانیه در اختیار شما قرار می‌گیرد که این چه خبر است. نه این که انسان یک بار مراجعه کند، بلکه تفکر داشته باشد. یعنی این را باید وارد بشود، بعد اعمال‌الفکر است. اصلاً جنس تفکر با تداوم است، دوام دارد. این‌طور نیست که یک آنی انسان فکر کند به نتیجه برسد. مستمر، استمرار پیدا بکند تا به یک نقطه شکوفایی برسد. حالا ما همین جوری مثلاً به قول خودمان حرف می‌زنیم، صحبت می‌کنیم، اما یعنی چی؟ بعد که شما وارد این مرحله بشوید، خیلی زود، یعنی با یک مدت نه چندان زیادی به لطف حضرت حق شما وارد می‌شوید به آن پشت صحنه، به آن مدیر، که از آن تعبیر می‌شود به جان، به روح، این دیگر چیست که

تو «و تفکراً فی قدرتک». تفکر در قدرت خدای متعال یعنی چی؟ برگردید به پاسخ این سؤال ذیل جمله قبلی که «ذکراً لعظمتک» گفتیم یعنی چی؟ گفتیم تفکر در مظاهر، در جلوه‌ها، جلوه‌های عظمت؛ ذکر. جلوه‌های قدرت؛ فکر. تفکر در جلوه‌های قدرت الهی است.

همین مثال‌هایی که برای شما زدم بگیرید بروید جلو. از ذرات، که حالا این دانش نانو خودش خیلی کمک کرده به ورود به یک عوالم دیگری. از آن ذرات بگیرید تا کهکشان‌ها، این‌ها محیط تفکر انسان است که می‌تواند با فکر، با ورود به میدان تفکر خرد خودش را تجهیز کند، به میدان بیاورد، پرورش بدهد. عقل انسان با تفکر است که پرورش پیدا می‌کند. بهترین موضوع برای تفکر، تفکر در

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ هیچ فاصله‌ای وجود ندارد، هیچ مانعی نیست. این می‌شود قدرت به معنای واقعی کلمه، که فقط و فقط و فقط از آن حق تعالی تبارک و تعالی است. این نسبت در باره انسان بین اختیار و اراده و کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم هست اما کاملاً پیچیده شده با عجز است، یعنی از یک جهتی توانایی است، از صد جهت دیگر عجز است. یک جا است که قدرت هست ولی عجزی در آن وجود ندارد. و آن قدرت خدای متعال است، قدرت حق است.

این جا امام (علیه‌الصلوة والسلام) می‌گوید که شما در باره قدرت خداوند تفکر کنید، این جا دارد از خود خدا تمنا می‌کند، می‌گوید تبدیلتش کن. این «تظنی»، این بدگمانی من را تبدیل کن به تفکر در قدرت

قدرت خدای متعال است. بهترین راه برای تفکر در قدرت خدای متعال، تفکر در آفریده‌های حضرت حق تبارک و تعالی است. حالا ببینید واقعاً عذری باقی می‌ماند برای کسی که اهل فکر نباشد. این جمله من می‌رود ذیل آیات تسخیر در قرآن کریم که می‌گوید «سخر لکم»، «سخر لکم»، «سخر لکم»، «سخر لکم». بعضی‌ها نمی‌فهمند یعنی چی. خوب «سخر لکم» یک بخش آن این است که شما می‌توانید از این چیزهایی که خدای متعال خلق کرده با آن ارتباط پیدا کنید، به آن مسلط بشوید، به قوانین آن دسترسی پیدا کنید، آن را در اختیار بگیرید برای ساختن زندگی‌تان، برای آباد کردن زمین، همین کاری است که انسان‌ها انجام می‌دهند. اما این که همه آن نیست. یادتان باشد «سخر لکم» اولین ترجمه‌اش این است، چون خیلی از آن چیزهایی که خدای متعال خلق کرده این‌ها مسخر زیستی اجرایی ما نمی‌شوند. این طور نیست که در دسترس ما قرار بگیرند برای این که ما بتوانیم آن‌ها را به کار بیندیم در مثلاً جریان زندگی‌مان، بعضی‌هایش را چرا، اما خیلی‌هایش هم نه. اما همه آن‌ها هم در جریان زندگی این طور نیست که در تصرف ما قرار بگیرند ما به آن‌ها مسلط بشویم، بتوانیم آن‌ها را در زندگی‌مان به کار بگیریم. مثل مثلاً آسمان‌ها، قرآن می‌گوید من آسمان‌ها را مسخر شما قرار دادم. خوب جنابعالی چه ربطی داری به آن ستاره‌ای یا به آن کهکشانی که مثلاً سیزده میلیارد سال نوری با ما فاصله دارد. ما با این هم که تازه نزدیک ما است، مسخر ما نیست،

تنوعش از هلال و تا تربیع تا تنصیف تا آن بدر کامل بشود. خب شما هم لذت بصری دارید از آن، هم نور ماه را دریافت می‌کنید. سخر لکم این جا می‌تواند یک معانی دیگری هم پیدا کند، ولی خب بعضی از این چیزها نه. ولی همه این موجودات موضوع فکر شما هستند، چرا؟ چون بدون استثناء از کوچک‌ترین آن‌ها تا بزرگترین‌شان مظاهر قدرت پروردگار متعال هستند. این جا حضرت حق تبارک و تعالی قدرت‌نمایی کرده. ببینید چه خبر است. از اعاجیب، شگفت‌انگیزتر از آنچه که بیرون از وجود ما است آن آیات قدرت خدا در وجود خود ما است. از جسم شروع کنید که شگفتانه‌ها است، حالا من یک اشاره‌ای به چشم کردم، به گوش، حالا هر چی. بروید شما تا

در حالی که فاصله این با ما هشت سال نوری است. به ما نزدیک است نسبتاً. از این که رد بشوید دیگر فاصله‌ها می‌رود تا هزار سال، دو هزار سال و ده هزار سال. می‌خواستم بگویم این‌ها را می‌گوید سخر لکم، خدای متعال می‌گوید من همه این‌ها را برای شما مسخر قرار دادم. یادتان باشد اولین ترجمه این که این‌ها را برای شما مسخر قرار دادیم این است که هر کدام از این مخلوقات خدای متعال که با شما نسبتی پیدا می‌کند یعنی یک نوعی به آن آگاهی پیدا می‌کنید، این‌ها موضوع تفکر شما است، یعنی می‌آید در محیط اندیشیدن شما قرار می‌گیرد. این معنای سخر لکم قطعی مسلم است. یکی از آن مثل این ماه است، مثل قمر زیبای آسمان است، با این

جور دیگر، همه ذهن‌شان درگیر است، خوب چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ آیا من آینده‌ام را می‌توانم اداره کنم؟ می‌توانم مثلاً یک چند وجب جا پیدا کنم در آن زندگی کنم؟ همه ذهن‌ها درگیر است، یک چیزی گیر بیاورم بخورم. با این رقم‌های عجیب و غریبی که هر روز مثل کابوس جدیدی می‌آید به زندگی.

می‌خواهم عرض کنم ببینید این «تظنی» است، ذهن‌ها این جور درگیر جریان زیستی عادی معیشتی است. و این تولید بدگمانی می‌کند به خدای متعال. مؤمن با تفکر در قدرت خدای متعال به یک سطحی از فهم توحیدی می‌رسد که در آن منطقه به آرامش می‌رسد. هرچه که محیط پیرامونش بلرزد این را نمی‌لرزاند، این آرام است. دلش هیچ وقت نمی‌لرزد.

برسید به جان و روح انسان.

رسیدن به آرامش با تفکر در قدرت خدای متعال

اکنون «تظنی» انسان‌ها زیاد شده. «تظنی» او هم به خاطر این که فروغ ایمان کم است، این مظنی، این بدگمانی‌هایش هم بیشتر می‌شود. همه دنبال این هستند که آقا ما زندگی‌مان را چه‌طوری جمع کنیم؟ این گرانی و این چیزها هم خودش یک امتحانی است دیگر، امتحانی است واقعاً. در روایات هم دارد که چیز خیلی بدی است، در یک جامعه‌ای پیش بیاید خیلی چیز بدی است چون اضطراب درست می‌کند، اضطراب‌ساز است. این حالت مظنی است، همه فکر می‌کنند من می‌خواهم چه خاکی به سرم بکنم، من زندگی‌ام را چه‌طوری اداره کنم، جوان یک جور، بزرگسال

کوتاه مدت، فیلم است، فیلم بازی می‌کنند. این تفکر شما را به این نقطه می‌رساند. آن وقت گفت «هو معکم»، «هو معکم» یعنی کی؟ یعنی «القادر معکم»، «القدير معکم»، «المقتدر معکم»، با شماست، یک کسی به این نقطه رسید که تفکر این راه را برای شما باز می‌کند، مثلاً تفکر به تنهایی نه، تفکر راهگشا است، این نورافکن می‌اندازد، محیط را برای شما روشن می‌کند. شما را از این حالت تاریکی خارج می‌کند، انسان وقتی در تاریکی است این حالت ترس و اضطراب و بدگمانی و این چیزها هست. خودش به شما بشارت داد که رزق شما تضمین شده است. نگران چی هستید؟ گفت من بنده خودم را این طرف تنها نمی‌گذارم. این ابتلائاتی که ماها داریم، ابتلائات از سر

یعنی می‌گوید من متصل هستم به غنی علی‌الاطلاق و به قدرت مطلق، من به قدرت مطلق متصل هستم. بنده او سر سفره او، و در محیط لطف او هستم. بنابراین هیچ وقت تحت هیچ شرایطی نه می‌ترسم، نه بدگمان می‌شوم، نه می‌لرزم، نه احساس می‌کنم تنها هستم نه احساس می‌کنم گرفتار هستم. «هو معکم»، می‌گوید بابا قدرت مطلق با شماست، شما دیگر نگران چی هستید؟ قدرت مطلق یعنی چی؟ یعنی غنی علی‌الاطلاق، یعنی کریم علی‌الاطلاق، یعنی رحیم علی‌الاطلاق، یعنی یک دوستی دارید که هرچه بخواهد می‌شود. چی داری فکر می‌کنی، نگران چی هستی؟ هرچه بخواهد همان است. بقیه شوخی هستند، مسخره‌اند، بازی می‌کنند. یک بازی‌های

تبدیلش کن، این بدگمانی‌ها، این تاریک‌اندیشی‌ها، این ابتلائات، این نگاه‌های سطحی به زندگی، من را از این‌ها نجات بده که خدای نخواستہ به تو یا به خلق تو بدگمان بشوم. تبدیلش کن به «تفکراً فی قدرتک». اگر وارد این عالم بشوی یک سطحی به تو می‌دهد که این بدگمانی‌ها در آن ذوب می‌شود، اصلاً همه‌اش را درمان می‌کند.

حسد سرطان روح است

سوم هم این است، فرمود «و الحسد» از القائنات شیطانی است. حسد تمنای زوال نعمت از دیگران است. که خیلی خباثت است که آدم باطناً دوست داشته باشد یک کسی که نعمتی دارد نعمتش از دستش برود. خوش‌تیپ است، خوشگل است، علمش، سوادش، خانمش، آقایش،

نداشتن این فروغ ایمان است و الا امتحانش را کردید شما باز هم امتحان کنید. این راه است. قبض و بسط آن حکایت از ابتلائات و امتحانات و تربیت و این‌ها است. فرمود «یقدر و یبسط» لازم باشد برای شما یک خرده باز می‌کند، لازم هم باشد برای تان یک خرده می‌بندد، حالا ببینیم مصلحت طرف چی هست. بعد هم فرمود شما در رهگیری سهم خودتان به عنوان سهم حلال هم کوتاهی نکنید، تدبیر و برنامه‌ریزی‌هایتان را هم داشته باشید ولی به این چیزها اعتماد نکنید. خلاص.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنْ التَّمَنِّي»، پس چی شد «تمنی»؟ «ذَكَرًا لِعَظَمَتِكَ» این را باید به آن وصل کنیم، «و التَّنْظِي»، «تَفَكَّرًا فِي قُدْرَتِكَ» می‌گوید خدایا این را

زندگی‌اش، خانه‌اش، ماشینش، اعتبارش، آبرویش از دستش برود. این خیلی خبثت است اگر در باطن انسان نسبت به کسی یک چنین حالتی شکل بگیرد. یا از داشتن آن، از این که فلانی این را دارد من رنج داشته باشم، به من بریخورد، این خیلی چیز بدی است. توضیح دادیم که حسد سرطان روح است و انسان را از نظر باطنی ساقط می‌کند اگر درمان نشود و توسعه پیدا نکند کلاً محروم می‌کند. محرومیت‌های عجیبی می‌آورد. در ارتباط با خدای متعال انسان را محروم می‌کند.

راه درمان حسد

حسد خیلی چیز بدی است. خب این را باید درمان کرد. درمان حسد چیست؟ فرمود این که شما باید بدخواه باشید حق است، ولی نسبت به دشمن خدای متعال. آن

جا باید خرجش کنید. نسبت به سایرین همه جا خیرخواه باشید، نسبت به بقیه همه جا خیرخواه باشید. اما در مورد بدخواهی نسبت به سایر بندگان خدا، از خدای متعال می‌خواهیم این تبدیل بشود به «تدبیراً علی عدوک»، من از این امکانی که در اختیارم گذاشتی این را به کار بیندازم، حساب شده، این بدخواهی را بیاورم در تنظیم و برنامه‌ریزی، و همه آن را ببرم به سمت دشمنان تو، که من دائم در باره دشمنان تو در حال اعمال حسد باشم. اعمالش می‌شود تدبیر.

برنامه‌ریزی حسد نسبت به دشمنان خدا

برنامه‌ریزی کنم، نه این که تمنا کنم. یک وقت انسان تمنا می‌کند که دشمن خدا آن امکانی که در اختیارش

هست، قدرتی که در اختیارش هست، امنیتی که در اختیارش هست، آسایشی که در اختیارش هست از او گرفته بشود زایل بشود، یک وقت هست که جنابعالی از این می‌آیید جلوتر، برنامه‌ریزی می‌کنید که از دستش برود. برنامه‌ریزی می‌کنید که امنیت او را بگیرید، برنامه‌ریزی می‌کنید که جانش را بگیرید، برنامه‌ریزی می‌کنید که او را زمین بزنید، برنامه‌ریزی می‌کنید که آبرو و امکاناتش از او گرفته بشود. هرچی که دارد. این می‌شود «و تدبیراً علی عدوک».

بکارگیری حسد پیشرفته در میدان توحید

یادتان باشد انسان مؤمن ایمانش به کمال نمی‌رسد مگر به این نقطه برسد. یعنی شما حساب کنید یک تهرانی مقدم (رضوان‌الله‌علیه) از آن در می‌آید. خدا آن به آن بر درجاتش بیفزاید. یکی از او در می‌آید که در این «تدبیراً علی عدوک»

این اول چگونه شکل می‌گیرد؟ اول یک آرزو است بعد این آرزو یک حالت باطنی می‌شود، بعد تبدیل می‌شود، پیشرفته‌اش این است، چون می‌گویند حسد پیشرفته این است که تو به صرف این که بدخواه فلانی باشی اکتفا نمی‌کنی، یعنی مثلاً در حد این باشد که من در دلم باشد که فلان کس مثلاً نعمتی

که دارد از دستش برود. نه، پیشرفته‌اش این است که اقدام می‌کنی، دست به کار می‌شوی یک کاری می‌کنی مثلاً این آبرویش برود، یک کاری می‌کنی که آن نعمتی که دارد از دستش خارج بشود. این مرحله پیشرفته آن است. می‌فرماید کل آن را باید بیاوری در میدان توحید، وقتی آوردی می‌شود «تدبیراً علی عدوک».

پیشرفته است، کفر به طاغوت این است. کفر به طاغوت که بلکه مقدمه ایمان است. پیش‌نیاز ایمان به خدای متعال است «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

این که انسان نسبت به فلان بنده خدا بدخواه باشد خیلی خباثت است. باید از آن نجات پیدا کنیم. راه نجاتش را حضرت می‌آورد در بخش کنش‌گری فعال در ضربه زدن به دشمنان خدا و تدبیر بر علیه کانون‌های اصلی ضربه زدن به سعادت بشریت. دشمنان خدا وجودشان نحس است، فکرشان نحس است، زیست‌شان نحس است، تولید پلیدی می‌کند، نشر پلیدی می‌کند، هر مقدار هم امکانات داشته باشند آن امکانات در اختیار

آن جایی که انسان دائماً به این فکر است من، خود من، من چه کار باید بکنم که به این دشمن یک ضربه‌ای بزنم که نعمتی را از او زائل کنم. حالا اگر سخت‌افزاری توانستیم، نرم‌افزاری توانستیم، مغزافزاری توانستیم، هر شکلی که بتوانید، تدبیراً. اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی به او ضربه بزنید. که آن نعمت از او زائل بشود. این در واقع می‌شود گفت که همان تبری

بود که مؤمنین را از آن حالت انفعال خارج کرد، ایرانیان امروز می‌توانند هر کدام‌شان که بخواهند از برکت این انقلاب و محیطی که باز شد و این فضایی که انقلاب اسلامی در جهان باز کرده برای ضربه زدن به کانون‌های کفر اقدام کنند. این را قبلی‌های ما نداشتند، پدران ما، مادران ما، بیچاره‌ها هیچی را نداشتند. دست‌شان خالی خالی بود. این قدرت را، این امکان را، این انقلاب مبارک به دست بچه‌های مؤمن داده که ایمان‌شان کامل بشود.

کمال ایمان و تدبیر «علی عدوالله» است. و کفر به طاغوت است. این جوری است که ایمان کامل می‌شود و الا یک ایمان ناقصی است. زمینه‌ای نداشته برای ظهور و تجلی. الان شما در هر زمینه‌ای بخواهید می‌توانید

آن‌ها برای ضربه زدن بیشتر به خوشبختی بشریت است.

کمال ایمان و تدبیر «علی عدوالله» است

این را از این بنده به خاطر بسپارید، یکی از بزرگترین نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی از برکت انقلاب اسلامی به نسل کنونی ایرانیان داده این «تدبیراً علی عدوک» است. یعنی یک ملت از دست رفته، زیردستی، ذلیل منفعل، به تمام معنا منفعل. قبل از انقلاب مگر غیر از این بوده، وسط این میدان جامعه جهانی دشمنان خدا بودند که عربده می‌کشیدند، کسی کارشان نداشت، به سر ما هم هر بلایی می‌خواستند بیاورند می‌آوردند، کسی کارشان نداشت. این نهضت بزرگ، این انقلاب مبارک، یکی از بزرگترین کارهایی که کرد این

قرار بگیریید، چون انقلاب این زمینه را فراهم کرده، ایستاده جلوی کل کفر جهانی، می‌بینید که چه می‌کنند، چه جزولزی می‌کنند بدبخت‌ها. چون جلوی کل‌شان ایستاده. یقه‌شان را گرفته، نفس‌شان را به شماره انداخته. حال‌شان را خراب کرده، و آلا داشتند می‌تاختند می‌رفتند. خیلی قدر بدانید این فرصت را.

جزو جنود الله و حزب الله و لشگر خدا باشید

یک قدرشناسی تکمیلی آن این است که جنابعالی هم در صف جنود الله در این «تدبیرا علی عدوک» ببینید جای شما کجاست. کجای قصه هستید در ضربه زدن، جانمانید، ببینید آن زرنگ‌ها ضربه‌ها را زدند و رفتند، هر جوری که توانستند، شما جانمانید، هر جور که می‌توانید به لطف خدا متعال

جزو جنود الله و حزب الله و لشگر خدا باشید برای ضربه زدن به کفر، برای ضربه زدن به شرک، ضربه زدن به طاغوت جهانی. جزو انصارالله باشید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لَلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»^۶ الان بچه‌های شما دائماً فکر می‌کنند، حتی به آن بخش نظامی‌اش، آقا مثلاً می‌شود ما یک جوری برویم یمن، برویم سوریه، یک جایی که بشود برویم به مصاف نزدیک، آن خوب است و این حس را هیچ وقت از دست ندهید، هر کسی این روحیه را از دست داد از دست رفت. این روحیه را هیچ وقت از دست ندهید یعنی دل‌تان همیشه بجوشد برای این که کجا من در برابر جریان این کفر و استکبار

۶ آیه ۱۴ سوره صف

این فکر باشد که چه‌طور می‌تواند یک بلایی به سر این دشمنان خدا بیاورد، یعنی همیشه باید قلباً در جهاد باشید. حتی قلباً در جهاد اصغر باشید. جهاد، درگیری و رویاروی که نتیجه‌اش می‌تواند شهادت و جانبازی باشد، انسان حس داشته باشد. اما منحصر به او نیست، هر مسیری که شما بتوانید این نظام را و این پرچم و این ولی الهی را هرطور بتوانید کمک کنید در واقع دارید آن ضربه را می‌زنید، چون اصلاً فلسفه وجودی نظام ما گرفتن نفس جریان کفر است، و نفس‌شان را گرفته. هرچه علمی، اقتصادی، فرهنگی، فکری، اخلاقی، تقویتش کنید دارید در آن جبهه مبارزه می‌کنید. این هم حالا یک بشارتی است ولی دل‌تان همیشه لک بزند برای درگیری‌های مستقیم.

جهانی سینه به سینه بشوم در روبروی صهیونیست‌ها باشم بزنم به قلب سیاه‌شان. این حس را همیشه در خودتان زنده نگه دارید. خوش به حال مدافعین حرم، خوش به حال این‌هایی که این حال و این حال و هوا را در این روزها توانستند در دل خودشان نگه دارند. اما فقط این نیست، حالا این یک جلوه‌اش است.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود
 «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَغْزُ، وَ لَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ، مَاتَ عَلٰى شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ»^۷ اگر کسی به جنگ دشمنان خدا نرفته باشد یا حداقل به فکر درگیری با دشمنان خدا نباشد، بمیرد بر شعبه‌ای از نفاق مرده». همیشه باید در فکرتان این باشد من چگونه می‌توانم ضربه بزنم، اصلاً صبح بیدار می‌شود شب می‌خوابد انسان باید به

خدا ان شاءالله روزی کند.
«اللهم صل على محمد و آل محمد».

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ
بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ
وَ الْبَحْرِ تَفْضِيلَ عَلَيَّ فَقَرَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ
وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرَضِي
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ
وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ
وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ
إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ
بِمُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ أَجْمَعِينَ.



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر